

به نام خدا

چاپخانه

شماره دوم | تابستان ۱۴۰۰

CHAPKHOONEH ART MAGAZINE

۱ | نمایشگاه حاضر

City as a Cemetery

مجموعه آثار نمایش "شهر به مثابه قبرستان" روایتی است از گسست ارتباطی بین نسلی جامعه حال حاضر ایران، که در ارزش گذاری های جامعه شکست خورده؛ متر و معیار معینی برای اخلاقیات ندارد و سردرگم در هجویات شهر محو شده است. روندی رو به زوال، سقوط و انحطاط به سمت نهلیسیم اجتماعی که اقشار جامعه را در خود حل می کند.

آثار "شهر به مثابه قبرستان" آینه‌ای است از حضور افراد در شهر، مردگانی متحرک که زندگی می کنند، تن خود را مانند یک وزنه آهنین حمل می کنند و همیشه در حرکت اند. شهر در مقام یک جامعه سیستماتیک فاقد ارزش؛ که زندگی در آن فرسایش مکرر است؛ تکرار هر روزه لحظه ها، بیدار شدن، از رخت خواب بیرون جهیدن، دویدن به دنبال اتوبوس، تاکسی، هجوم عده‌ای عظیم به سمت واگن قطار، جازدن‌ها، سقلمه خوردن‌ها، تنه خوردن‌ها و ... (آزار دادن و آزار دیدن). سکانس‌های تکراری زندگی درون شهر. آیا شهر در زنده نبودن آدم‌هایش بی تأثیر است؟ ما مرده‌ایم چون شهر قبرستان است یا چون ما مرده‌ایم شهر به قبرستان تبدیل شده؟ مردمانی دچار انحطاط که مرده‌اند، گویی هرگز زندگی نکرده‌اند. نمایش "شهر به مثابه قبرستان"، رویکردی است انتقادی از بی ثباتی عقیده و سردرگمی نسل‌ها. چه چیزی ارزش است؟ برای چه باید زندگی کنیم؟ و پس از این چه چیزی برای ما باقی می ماند؟

انتهای این نوشته با استیتمنت این نمایش کامل می شود. «امروز شهر به مثابه قبرستانی است، که انسان‌هایش عمود مرده‌اند و لحظه‌هایشان رو به قبله شده است.»



۲ | درباره هنرمند

گروه هنری بُرجاس، هنر را ابزاری جهت نمایش انسان معاصر می داند. انسانی که بی شک متأثر از گذشته، با معضلات روزمره سروکله می زند و رهسپار آینده‌ای گنگ و مبهم است. بُرجاس، هنری را ارائه می دهد که برخلاف مفاهیم و دیدگاه‌های کلاسیک، تافته جدا بافته نیست و از دل زندگی اجتماعی در قرن جدید برمی آید. آنچه در مقابل دیدگان مخاطب قرار می گیرد، همانی است که برخورد هر روزه، آن را به امری عادی و مقبول تبدیل کرده است. تکرار روزمره موجب پذیرش لاینفک آن شده و به نوعی ایدئولوژی که آینده‌ای دروغین را حقیقت محض جا می زند، مبدل شده و از هر یک "جان"، ابزار می سازد. شناخت لزوماً بر تجربه استوار نیست، بلکه بر ساختارهایی استوار است که تجربه را ممکن می سازد؛ همانند ساختار مفاهیم، زبان و یا نشانه‌ها؛ این هنرمند معاصر است که بنای این ساختار منسجم را می نهد. بُرجاس در انتقال مفاهیم، خود را محدود به نوع خاصی از بیان یا ابزار نمی کند. از هر آنچه فریاد و یا آرزویش را به گوش مخاطب برساند استفاده می کند تا آنچه که به امری عادی تبدیل شده را با زبان هنر در مقابل چشم بیننده زنده کند.

۳ | جستاری کوتاه درباره فلسفه هنر

زیبایی همان معیار نسبی است که جهان اطراف ما را تعریف می‌کند و همه چیز در زمره این تقسیم‌بندی نسبی قرار می‌گیرد، چه چیزی زیباست، چه چیزی زشت است؟ مشخصاً پاسخ قطعی وجود ندارد، زیبایی‌شناسی یکی از هزاران مفهومی است که بشر خلق کرد تا زندگی را با سهولت بیشتری بگذراند، مفاهیم پیچیده را در زوروقی ساده بسته‌بندی می‌کند تا فهم جهان را برای خود و مخاطبش آسان کند. تصور کنید، گفتن کلمه این میز زیباست؛ بسیار راحت‌تر از توضیح درباره تفکر خالق آن در هنگام آفرینش، نقد جهان‌بینی خالق و توضیحی پیچیده از سیر تولد یک اثر است.

با این حال در مقوله زیبایی‌شناسی بسیاری از تعاریفی که نسبت به هنر ارائه می‌شود، همیشه در سایه انحصار عده‌ای است. آن عده چه کسانی هستند؟ چگونه به این توانایی دست پیدا می‌کنند؟ چه معیاری در سنجش این افراد وجود دارد؟ پاسخ این پرسش‌ها نیز نسبی است. در گذشته این سرمایه‌داران بوده‌اند که با سلیقه شخصی خود زیبایی‌شناسی در هنر را تعریف می‌کردند. چرا که هنر در زمره اشیای لوکسی بود که ثروتمندان توانایی خرید آن را داشتند. در نتیجه هنر سفارشی با سلیقه خریداران آن تولید می‌شد. پس از رنسانس این چرخه یک طرفه دچار تغییر شد؛ این بار هنرمند مؤلف مقوله زیبایی است. هر چند که همچنان نقش خریداران را نمی‌توان نادیده گرفت، اما تناسبی ایجاد شد که به واسطه آن دیدگاه و جهان‌بینی هنرمند دیگر وابسته به سلیقه خریداران نیست و هنرمندان نیز در تعریف این مقوله نقش بیشتری پیدا کردند. در هنر معاصر مواجهه با مقوله زیبایی‌شناسی دچار چالش است، چون زیبایی‌شناسی نمود بیرونی ندارد و اساس زیبایی‌شناسی آن چیزی است که از ذهن هنرمند بیرون می‌تراود. هنرمند مشخصاً هنر را ابزاری قرار می‌دهد تا سخنی را با بیننده در میان بگذارد. در هنر معاصر با سؤالاتی از این دست روبرو هستیم؟ آیا موزی که با چسب به دیوار موزه متصل شده، هنر است؟ آیا این اثر زیباست؟ اگر هنر را همان تعریف کلاسیک بدانیم که در زمره آن هر چیز زیبایی که به دست آدمی خلق شده، نمود اندیشه‌های درونی او و زیبا باشد را هنر بنامیم، در تحلیل هنر معاصر دچار مشکل می‌شویم، چرا که زیبایی، از جنبه عینی که قابل مشاهده باشد در بسیاری از آثار معاصر حذف می‌شود. پس در تعریف هنر معاصر با چه چیز مواجه هستیم؟ شاید این تنها پاسخ قطعی است که در این نوشته کوتاه وجود داشته باشد:

ذهن هنرمند؛ مفهومی که هنرمند خلق می‌کند، زیبایی‌شناسی هنر معاصر است.



۴ | اقتصاد هنر

مفهومی به نام اقتصاد هنر به چه چیزی می‌پردازد و لزوم پرداختن به آن چیست؟ تولید آثار هنری نیازمند حیات هستند، حیاتی که به واسطه چرخش مالی ایجاد می‌شود. البته نقش مارکتینگ هنر را نمی‌توان نادیده گرفت، ترتیب معرفی آثار که اغلب با استراتژی درون سازمانی موزه‌ها، گالری‌ها و دیگر ارگان‌های حوزه هنر مرتبط است؛ از عواملی محسوب می‌شود که نقش به‌سزایی در اقتصاد هنر و این چرخه سراسر متصل دارد. آثار هنری نیازمند ارائه هستند و ارائه آثار به وسیله موزه‌ها و گالری‌ها به خصوص در هنر معاصر به آن اعتبار می‌بخشد؛ چرا که تعیین می‌کند چه چیزی هنر است. اکنون آثار معتبر به حراج‌ها راه پیدا می‌کنند، جایی که سرنوشت آن‌ها با ضربه چکش بر روی میز مشخص می‌شود؛ این تعریف نمایی کلی از مفهوم اقتصاد هنر است. اقتصاد هنر همواره با حواشی همراه است، از نحوه سیاست‌گذاری در پررنگ کردن یک اثر خاص گرفته، تا صحبت از پول‌شویی به واسطه خرید آثار هنری. با این حال اقتصاد هنر مسئله‌ای تخصصی و همه‌جانبه است که پرداختن به آن از ضرورت‌های پژوهش در حوزه هنر است. در شماره‌های بعدی چاپ‌خونه به صورت مفصل‌تری به این موضوع پرداخته می‌شود.

x | اعضاء چاپ‌خونه

صاحب امتیاز: خانه هنر شیراز | موتورخونه
مدیر مسئول و دبیر هنری: سپهر سیاح | ۴
سردبیر: الهه رضانی مقدم | ۱-۳
دبیر پژوهشی: شیدا بردبار | ۲
ویراستار: مرجان شعائری
گرافیست: فائزه غیثی
تصویر: پوریازارع